

# علم أصول الفقه

۱۱

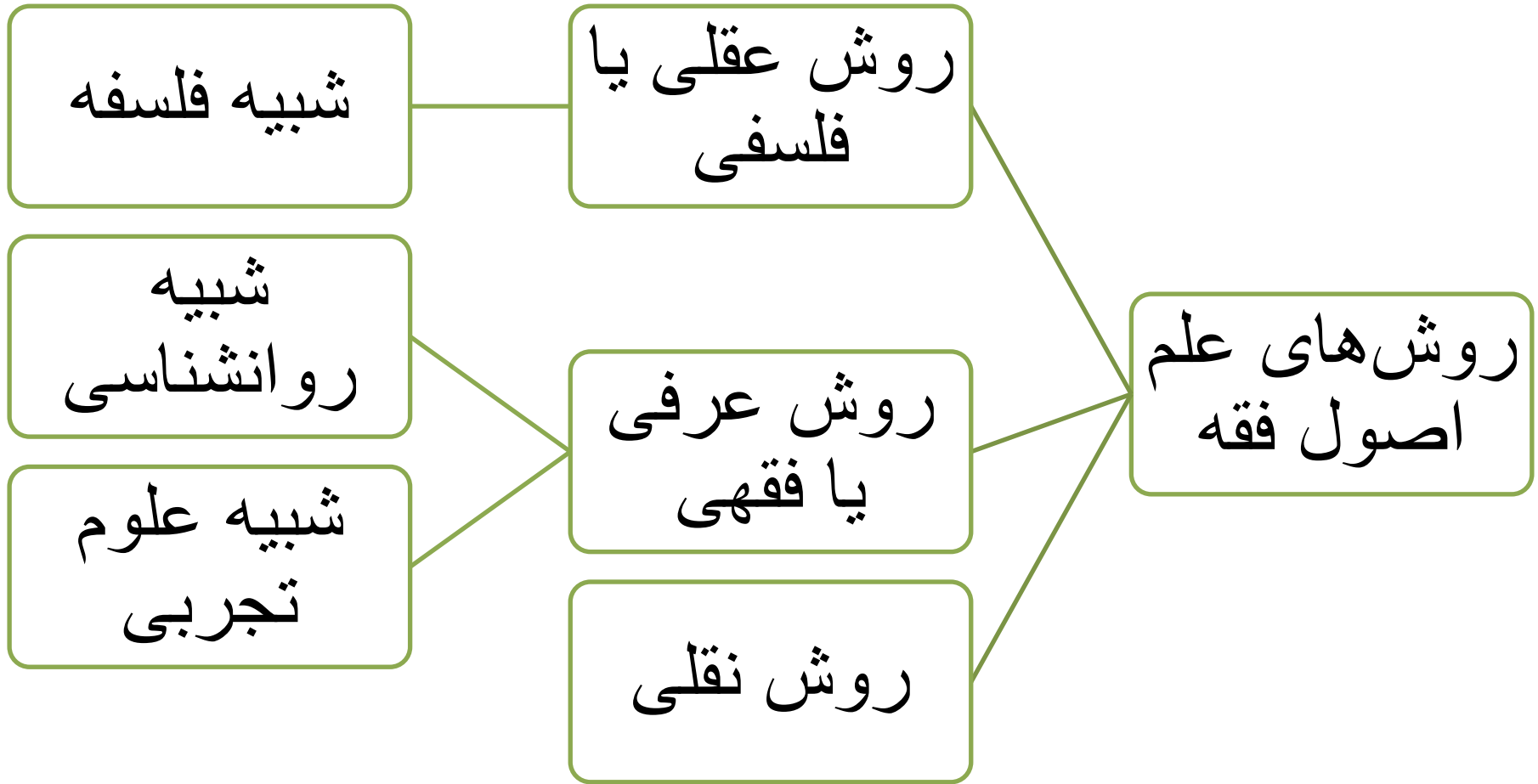
۸-۱۱-۹۳ روش شناسی

دراسات الاستاذ:  
مهدي الهادي الطهراني

وَمَنْ جَاهَدَ فَإِنَّمَا يُجَاهِدُ لِنَفْسِهِ إِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ عَنِ  
الْعَالَمِينَ (٦)

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ  
وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَحْسَنَ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ (٧)

## بخش دوم: روش شناسی علم اصول فقه



# ارزیابی روش عرفی به لحاظ معرفتی

- فصل دوم
- ارزیابی روش عرفی به لحاظ معرفتی

## ارزیابی روش عرفی به لحاظ معرفتی

- در بحث روش عرفی گفتیم که اصولی‌ها از این روش برای کشف ارتکازات و سیره‌های عقلایی استفاده می‌کنند و بیان کردیم که در تطبیق این روش دو طریقه وجود دارد:

# ارزیابی روش عرفی به لحاظ معرفتی

- أ. طریقه ذهنی
- ب. طریقه عینی.

# روش در روان شناسی

1. روش ذهنی یا  
انفسی (ساجکتیو)

2. روش عینی یا  
آفاقی (آبجکتیو)

روش روان  
شناسی

## ارزیابی روش عرفی به لحاظ معرفتی

- در طریقه‌ی ذهنی، به ذهن خود مراجعه می‌کنیم و در واقع معلومات خود را بازنگری می‌نماییم و به تعبیر منطق ارسطویی معلومات خود را مورد التفات و توجه دوباره قرار می‌دهیم.



## ارزیابی روش عرفی به لحاظ معرفتی

- این معلومات یا حضوری‌اند و یا حصولی. بنا بر آنچه در فلسفه بیان گردیده، وقتی معلومات حضوری مورد توجه و التفات قرار می‌گیرند، به معلومات حصولی تبدیل می‌شوند. معلومات حصولی به دو دسته قابل تقسیم هستند:

## ارزیابی روش عرفی به لحاظ معرفتی

- ۱. معلوماتی که به آنها توجه نداریم و از آنها غفلت کرده و یا آنها را فراموش نموده‌ایم که در این صورت با توجه به آن معلومات، دوباره آنها را به یاد می‌آوریم.

## ارزیابی روش عرفی به لحاظ معرفتی

- ۲. معلوماتی که در لابه لای معلومات دیگر مستتر است و با انضمام آن معلومات به یکدیگر آشکار می‌گردد که در این صورت ما از روش قیاسی استفاده کرده و علم حصولی اجمالی را تبدیل به علم حصولی تفصیلی نموده‌ایم.

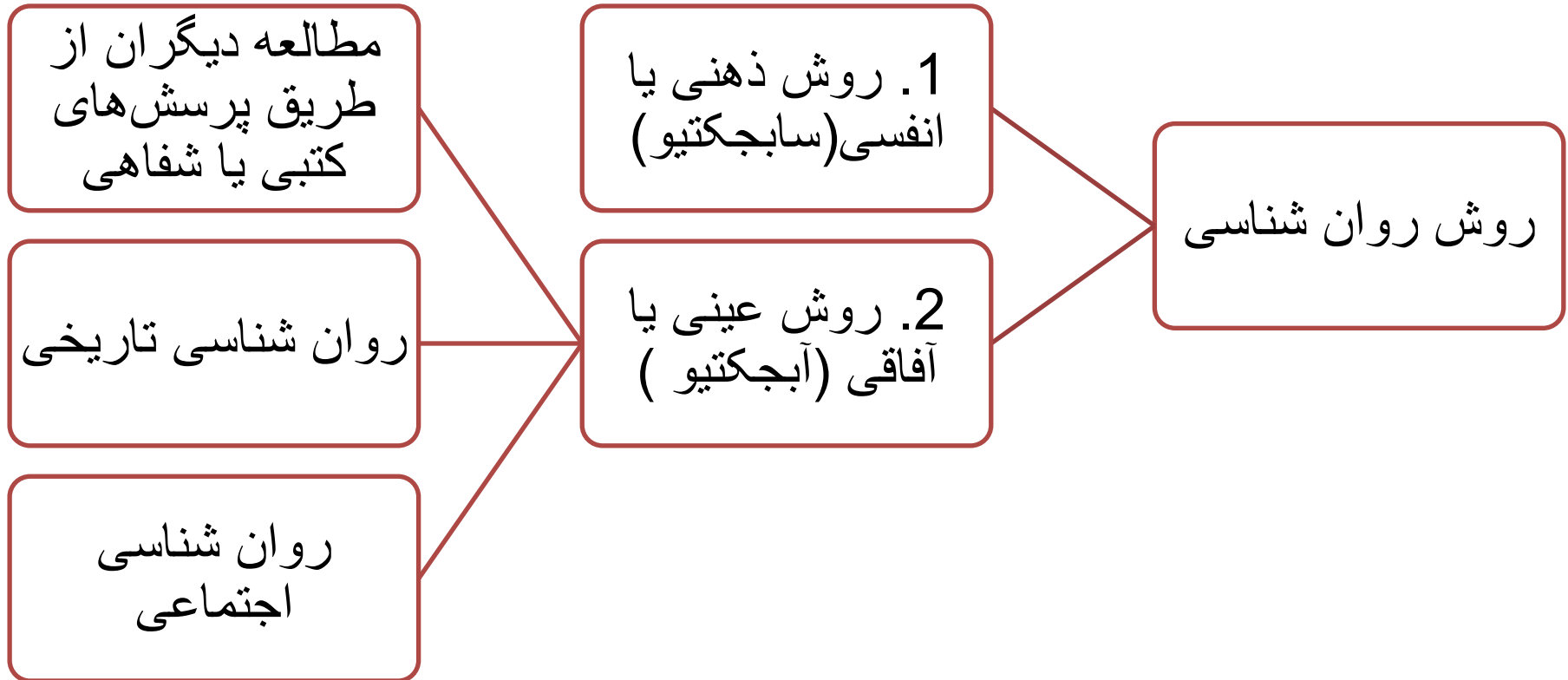
## ارزیابی روش عرفی به لحاظ معرفتی

- با این وصف در طریقه‌ی ذهنی یا از قیاس استفاده می‌کنیم، یا معلومات حصولی مورد غفلت یا مورد نسیان را یادآوری می‌کنیم و یا به معلومات حضوری خود توجه می‌نماییم.
- در این دو مورد اخیر یعنی آنجا که معلومات حصولی را به یاد می‌آوریم و یا معلومات حضوری خود را مورد توجه قرار می‌دهیم، کار قیاسی انجام نمی‌دهیم.

## ارزیابی روش عرفی به لحاظ معرفتی

- اما همان طور که گفتیم ما در طریقه‌ی ذهنی فقط می‌توانیم به این مقدار نتیجه‌گیری کنیم که چنین ارتکازی را داریم. اگر بخواهیم وجود این ارتکاز را به دیگران نیز سرایت دهیم، باید از طریقه‌ی عینی بهره بگیریم.

# روش در روان شناسی



## ارزیابی روش عرفی به لحاظ معرفتی

- در طریقه‌ی عینی به مشاهده‌ی ارتکازات دیگران می‌پردازیم و از آنجا که خودِ ارتکازات امر قابل مشاهده‌ای نیستند، آثار ارتکازات مورد توجه قرار می‌گیرند. در واقع از وجود آثار ارتکازات به وجود خودِ ارتکازات می‌رسیم.

## ارزیابی روش عرفی به لحاظ معرفتی

- اگر خوب توجه کنیم، درمی یابیم که در این صورت از قیاس بهره گرفته ایم.
- زیرا معتقدیم **ارتکاز مورد نظر ما برای یک رفتار و عمل خاص سببیت دارد** و اگر این سببیت نبود و این ارتباط بین این ارتکاز و آن رفتار وجود نداشت، اصلاً آن رفتار کاشف از این ارتکاز نبود. پس می گوییم: عملی که شخص انجام می دهد، نتیجه‌ی این ارتکاز است.



## ارزیابی روش عرفی به لحاظ معرفتی

- بنابراین درست است که روش عرفی به لحاظ روشی، غیر از روش قیاسی است، اما در متن خود این روش، از قیاس استفاده می‌شود.

## ارزیابی روش عرفی به لحاظ معرفتی

- از آن سو، وقتی موارد جزئی را مشاهده می‌کنیم - یعنی چند فرد را مورد بررسی قرار می‌دهیم و با مشاهده رفتار خاصی از آنها، ارتکاز آنها را کشف می‌کنیم - و با مشاهده این جزئیات به نتیجه‌ای کلی می‌رسیم - مثلاً می‌گوییم: همه‌ی عقلا یا همه‌ی مسلمانان چنین روش و منشی دارند - ، یا از استقراء بهره گرفته‌ایم یا به نحوی یک قیاس تشکیل داده‌ایم.

## ارزیابی روش عرفی به لحاظ معرفتی

- بنابراین در یک جمع‌بندی کلی می‌توانیم بگوییم: روش عرفی در مقام استنتاج و در متن خودش یا از قیاس استفاده می‌کند و یا از استقراء.
- یعنی اگرچه در یک بحث روش شناسانه، روش عرفی از روش قیاسی و روش استقرایی و روش نقلی جدا می‌شود، ولی وقتی این روش را تحلیل می‌کنیم، درمی‌یابیم این روش، نوعی تطبیق قیاس و تطبیق استقراء است. اما از آنجا که مجموعه‌اش یک نوع خاصی است، برای خودش یک روش به حساب می‌آید.

## ارزیابی روش عرفی به لحاظ معرفتی

- با این وصف تمام آن اشکالاتی که در باب قیاس و در باب استقراء در بحث معرفت شناسی وارد می شود، در اینجا هم قابل طرح است و پاسخ های آنجا در اینجا هم جریان دارد.
- در واقع در روش عرفی با همان محدودیت ها و مشکلات و سؤالات روش قیاسی و استقرایی مواجه هستیم.

## ارزیابی روش عرفی به لحاظ معرفتی

- اضافه بر اشکالات فوق، اشکالات دیگری نیز متوجه روش عرفی است. آن اشکالات به دلیل پیش فرض‌هایی است که این روش‌ها بر آنها مبتنی است. اجازه دهید این مطب را با ذکر چند مثال واضح سازیم:

## ارزیابی روش عرفی به لحاظ معرفتی

- ۱. در روش ذهنی از «تبدیل علم حضوری به حصولی از طریق التفات» و «یادآوری علم حصولی» سخن گفتیم. این دو کار که کاری غیر قیاسی است، بر یک سری مبانی در معرفت شناسی نسبت به اصل معرفت، تقسیم معرفت به حضوری و حصولی و نسبت بین این دو قسم (حضوری و حصولی) مبتنی است.

## ارزیابی روش عرفی به لحاظ معرفتی

- استفاده از روش ذهنی مبتنی بر پذیرش این مبانی است و تردید در آن مبانی کاربرد این روش را دچار مشکل می‌کند. البته عمده اشکالی که در اینجا مطرح است، همان امکان معرفت و امکان دستیابی به مطابقت این معرفت با واقع است که در روش قیاسی به آن پرداختیم.

## ارزیابی روش عرفی به لحاظ معرفتی

- ۲. در روش عینی بحث از مراجعه به دیگران و کشف سیره‌ها و ارتکازات آنها است. و در خصوص ارتکاز گفتیم از آنجا که خود ارتکاز امری مخفی است، باید از روی نشانه‌های ارتکاز به خود آن پی ببریم.



## ارزیابی روش عرفی به لحاظ معرفتی

- یکی از پیش فرض‌های ما در کاربرد روش عرفی با رویکرد عینی علیت است. باید اصل علیت را و تأثیر ارتکازات را بر سیره بپذیریم و بعد وجود سیره را دلیلی بر وجود ارتکاز بدانیم. آنچه قابل مشاهده است، رفتار مردم است، اما معتقدات آنها - آنچه در ذهن دارند - امری نیست که بتوانیم مشاهده کنیم. از روی آثار و نشانه‌های این معتقدات می‌توانیم به آنها پی ببریم و این مبتنی است بر این که بپذیریم بین معتقدات و بین رفتارها، رابطه‌ی علی وجود دارد.

## ارزیابی روش عرفی به لحاظ معرفتی

- ۳. در رویکرد تحلیلی گفتیم: وقتی به خود مراجعه می‌کنیم و یک ارتکاز را به دست می‌آوریم و یا وقتی به تعدادی از افراد مراجعه می‌کنیم و یک سیره یا ارتکاز را به دست می‌آوریم، باز یک حلقه‌ی مفقوده‌ای تا نتیجه‌گیری نهایی وجود دارد.

## ارزیابی روش عرفی به لحاظ معرفتی

- آن حلقه‌ی مفقوده کشف این مطلب است که ارتکاز یا سیره از چه حیثیتی از حیثیات ما یا جمع نشأت گرفته است؟ آیا آن حیثیت یک حیثیت عقلایی است که مشترک بین همه است یا یک حیثیت اسلامی است که مشترک بین مسلمانان است و یا یک حیثیت قومی است که فقط به قومیت خاصی اختصاص دارد؟

## ارزیابی روش عرفی به لحاظ معرفتی

- در آنجا گفتیم از طریق تحلیل پی به منشأ آن ارتکاز می‌بریم و درمی‌یابیم که آنچه به دست آوردیم از حیث عقلائی است یا از حیث اسلامی یا شیعی یا قومی یا ملی و...

## ارزیابی روش عرفی به لحاظ معرفتی

- خود این نکته که بپذیریم بین عقلا حیثیات مشترکی وجود دارد و تمام عقلا در عقلائییشان با هم مشترکند یا بپذیریم که تمام مسلمانان در حیثیت اسلامی و مسلمان بودنشان با هم مشترکند یا تمام ایرانی‌ها در حیثیت ایرانی‌شان با هم مشترکند، همه‌ی اینها یک پیش فرض دارد و آن این که بین انسان‌ها اشتراک وجود دارد و این اشتراک هم می‌تواند محدود به دوره‌ی تاریخی خاص و شرایط فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی خاصی باشد و هم می‌تواند تمامی انسان‌ها را در طول تاریخ و در هر موقعیت و شرایطی که باشند، در برگردد و دومی امری فراتر از اولی است که در سیره‌ها و ارتکازات عقلایی باید به عنوان یک مبنا مورد پذیرش قرار گیرد.

## ارزیابی روش عرفی به لحاظ معرفتی

- بر اساس این مبنا درست است که انسان‌ها با هم تفاوت‌هایی دارند، اما هویتشان بر یک بستر مشترک انسانی شکل می‌گیرد. یعنی حتی انسان‌هایی با فرهنگ‌های بسیار دور و انسان‌هایی که در زمان‌های مختلف یا مکان‌های مختلف و در موقعیت‌های کاملاً متفاوت هستند، در یک بستر انسانی با یکدیگر مشترکند و دارای فطریات بشری و طبیعت بشری یکسان هستند.

## ارزیابی روش عرفی به لحاظ معرفتی

- این مبنا که یک مبنای معرفت شناسانه و به تعبیر دقیق تر انسان شناسانه است، در هرمنوتیک نسبی گرا مورد نقد قرار گرفته و پذیرفته نشده است.

## ارزیابی روش عرفی به لحاظ معرفتی

- همان طور که در بحث‌های هرمنوتیکی شاهد بودیم، بر اساس دیدگاه فلسفی هایدگر ما در یک موقعیت خاصی از عالم پرتاب می‌شویم.
- ما به هیچ وجه نمی‌توانیم نسبت به آن موقعیت تصمیم بگیریم. آن موقعیت امری است که بر ما تحمیل می‌شود. بعد از قرار گرفتن در یک موقعیت، همه‌ی معارف ما و همه‌ی هویت ما بر اساس همان موقعیت شکل می‌گیرد.



## ارزیابی روش عرفی به لحاظ معرفتی

- نظر هایدگر در هرمنوتیک نسبی‌گرای گادامر به این صورت معنا شد که یک انسان در یک بستر خاصی از مفاهیم پذیرفته شده - سنت - متولد می‌شود. همه‌ی مفاهیمی که به او القا می‌شود، مفاهیمی است که در آن سنت پذیرفته شده و از طریق زبان که عامل انتقال معرفت است، به او انتقال پیدا می‌کند.

## ارزیابی روش عرفی به لحاظ معرفتی

- از آنجا که این زبان با آن فهم مرتبط است، این شخص در یک نقطه و موقعیت خاصی قرار می‌گیرد که همه‌ی آن مفاهیمی را که به او منتقل می‌شود، از منظر خودش و از زاویه‌ی دید خودش می‌فهمد و یا به تعبیر هرمنوتیک آنها را تفسیر می‌کند. زیرا آنها معتقدند فرایند فهم یک فرایند تفسیری است.

## ارزیابی روش عرفی به لحاظ معرفتی

- بنابراین نتیجه‌ای که نهایتاً می‌گیرند این است که هر انسانی فهم خاص خودش را دارد و هیچ دو انسانی در فهم با هم مشترک نیستند و حتی آن نقاطی از افق دید آنها که با هم مشترک است - آن محدوده‌ای را که هر دو می‌بینند - باز به دلیل تفاوتی که در موقعیتشان وجود دارد، از زوایای مختلف می‌بینند.

## ارزیابی روش عرفی به لحاظ معرفتی

- پس در نگاه گادامر اصلاً دو انسان - حتی دو برادر که در یک خانواده متولد می‌شوند و یا دو قلوها که با هم پا به عرصه‌ی دنیا می‌گذارند - نمی‌توانند به فهم یکسان از یک پدیده دست پیدا کنند. آنها اگرچه ممکن است خیلی به هم نزدیک شوند و در نتیجه فهم‌های خیلی نزدیک به هم داشته باشند، اما باز در یک نقطه و یک موقعیت قرار ندارند، پس از این جهت با هم متفاوتند و همین تفاوت، باعث تفاوت در فهم‌های آنها می‌شود.

## ارزیابی روش عرفی به لحاظ معرفتی

- این دو دیدگاه در مورد انسان - دیدگاهی که برای انسان‌ها هویت مشترک قایل است و دیدگاهی که در هرمنوتیک نسبی‌گرا مطرح می‌شود - در بحث روش عرفی تأثیر می‌گذارد.

## ارزیابی روش عرفی به لحاظ معرفتی

- روش عرفی بر این مبنا استوار است که واقعاً بین انسان‌ها مشترکاتی قابل باشیم.
- یعنی تفاوت‌ها را امری ثانوی بدانیم که بعداً پیدا می‌شود و آن اشتراک‌ها را امور زیربنایی تلقی کنیم تا بتوانیم با جست‌وجوی لایه‌های زیرین به نقطه‌ی مشترک برسیم.

## ارزیابی روش عرفی به لحاظ معرفتی

- وقتی در اصول یا فقه به سیره یا ارتکازی دست پیدا می‌کنیم و می‌گوییم این سیره و ارتکاز در زمان معصومان علیهم السلام نیز بوده، در واقع بر همین نقاط مشترک دست گذاشته‌ایم و الاً اگر این تفسیر از انسان را به تفسیری که در هرمنوتیک نسبی گرا است، تبدیل کنیم، دیگر دستیابی به یک نقطه‌ی مشترک به این معنا که همه‌ی انسان‌ها در آنجا یک فهم مشترک و یک قضاوت مشترک داشته باشند، تقریباً غیر ممکن می‌شود.

## ارزیابی روش عرفی به لحاظ معرفتی

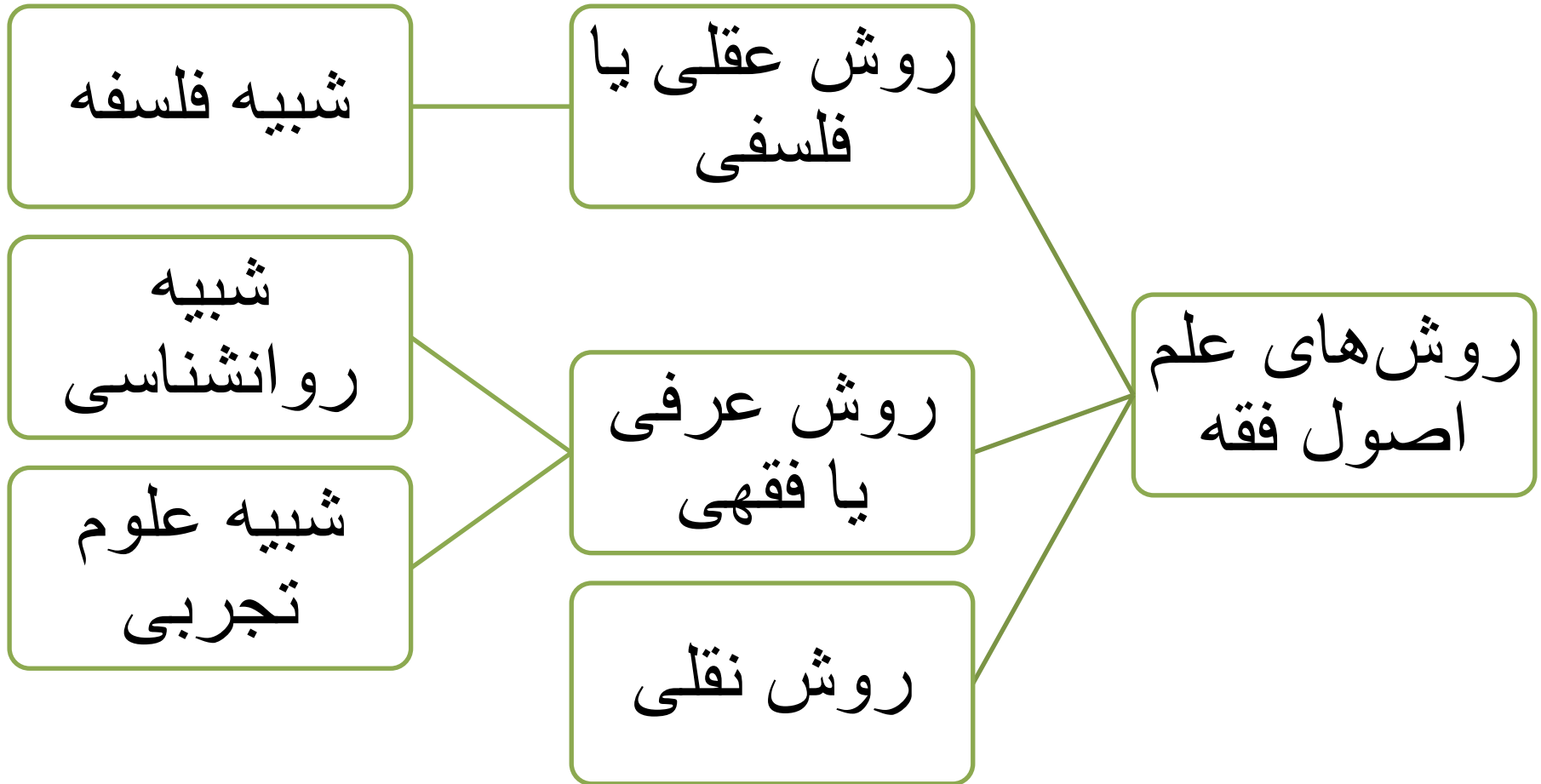
- خلاصه‌ی مطلب آن که:
- نقدهای مستقلى که به لحاظ معرفت شناسی بر روش عرفی وارد می‌شود، نقد به پیش فرض‌های این روش است. یعنی در کنار اشکالاتی که بر روش قیاسی وارد می‌شود که در آنها روش عرفی با روش قیاسی مشترک است و در کنار اشکالاتی که به روش استقرایی می‌شود که باز روش عرفی در آنها با روش استقرایی مشترک است، روش عرفی اشکالاتی خاص به خود دارد که در ناحیه‌ی پیش فرض‌های آن است.



## ارزیابی روش عرفی به لحاظ معرفتی

- ر. ک: نوشتار حاضر، مبحث «رویکرد تحلیلی مکمل دو روش ذهنی و عینی» و مبحث «رویکرد تحلیلی در نگاهی دقیق تر».

## بخش دوم: روش شناسی علم اصول فقه



# روش در علوم طبیعی

